

بررسی ساختار اجتماعی زمینه های تاریخی و تجارب ایران و برخی از کشورها پیرامون

مشارکت - مهندسين مشاور جامع ايران

چکیده

مشارکت سنتی در ایران ریشه در تاریخ و فرهنگ غنی چندین هزارساله آن داشته که در اثر تغییرات و تحولات مختلف متکامل شده و تا اصلاحات ارضی تداوم یافته بود. بطور کلی مشارکت سنتی برخاسته از آداب و رسوم و دین و فرهنگ اجتماعی یک جامعه است مشارکت در قالب سنتی از یک حالت طبیعی برخوردار است، یعنی در گذر زمان کنش های فرهنگی الگوهایی را ایجاد کرده اند که یک نظام مشارکتی را بوجود آورده و در قالب آن امور اجتماعی جامعه انجام پذیر می شده است.

با توجه به تغییرات و تحولات صورت گرفته در دوران مدرن نهاد سنتی با چالش روبرو شده و نهادهای جدیدی ایجاد شده اند. در بعضی از جوامع نهادهای جدید یا با الهام از نهاد های سنتی و یا از بطن آنها بوجود آمده اند و در بعضی از جوامع نهادهای جدید فی البداهه و به دور از محلهای سنتی در جامعه ایجاد شده و رشد کرده اند اگر چه مشارکت سنتی حالت طبیعی داشته و از بطن جامعه به وجود میآمده است ولی بعد جدید مشارکت بیشتر توسط دولت ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی بوجود آمده و مطرح شده اند.

در سایر کشورهای در حال توسعه نهادهای مشارکتی شاهد هزاران سازمان غیر دولتی در مقیاس های محلی منطقه ای ملی و بین المللی می باشد کشورهای نظیر هند، بنگلادش، کره جنوبی، چین و فلپین مورد بررسی قرار گرفته اند. نظریات سازمانهای جهانی مانند FAO مبتنی بر شناخت مشارکت بعنوان یک حق اساسی انسانی استوار میباشد و برنامه مشارکتی مردمی را مشتمل بر هفت عنصر مختلف میداند.

واژه های کلیدی: ساختار اجتماعی، مشارکت، تجارب ایران و برخی کشورها

مقدمه

ادبیات توسعه بخش قابل توجهی از مباحث علوم اجتماعی را به خود اختصاص داده است. در این چند دهه اخیر تحولات بسیار ژرف و عمیقی را از سر گذرانده است که حاصل آن طرح رویکردها و راهبردهای نظری و عملی مختلف می باشد.

در کشورهای در حال توسعه تقریباً از دهه ۱۹۵۰ به بعد صاحب‌نظران و محققان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی مباحث توسعه و تحول این کشورها را مورد مطالعه قرار داده‌اند. لیکن در دو دهه اخیر الگوها و رویکردهایی که به نقش مردم و مشارکت آنها در فرایند توسعه اهمیت می دهند مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند.

الگویی که به تعبیر تایلور (Taylor) و مک‌کنزی (Makensi) (۱۹۹۲) با مفاهیم خود اتکایی (Self-reliance) و مشارکت مردمی (Popular Participation) آمیختگی شدیدی دارد و هدف آن متکی به بالاترین حد بسیج منابع طبیعی، انسانی و نهادی با اهداف اولیه ارضاء و رفع نیازهای اساسی هر منطقه است (Taylor and Makensi, ۲۲۳, ۱۹۹۲) الگوی توسعه از پایین یا رویکرد توسعه مشارکتی که در آن مشارکت به صورت غایی و ابزاری در آن ایفای نقش می نماید با مواردی چون افزایش تولید و بهره‌وری، تحقق فرصت‌هایی برابر در دسترسی به منابع قدرت، دسترسی به خدمات و نهادهای تولیدی، اشتغال‌سودمند، تقویت و اعتلاء اعتماد به نفس و خوداتکایی، توازن بوم‌شناختی و... قرابت دارد.

این رویکردها در راهبردهای جدید که به نوعی مبتنی بر تجارب حاصل شده از تنگناها و ناکامی‌های راهبردهای پیشین هستند، که بر برنامه‌ریزی متمرکز استوار بودند و نقش مشارکت مردمی را نادیده می‌گرفتند، برای مشارکت مردمی نقشی محوری قائل‌اند، و به لحاظ نظری متأثر از نظریه‌های مردم‌گرایانه و دموکراتیک هستند و با اندیشه نظریه پردازان مردم‌گرا (Populisty) چون شوماخر (Schumacher)، گاندی (Gandi) و نایرره (Nayrere) همخوانی بسیار دارد.

چنین الگویی در حوزه توسعه روستایی خود را با راهبرد توسعه همه‌جانبه روستایی (Rural Intergrated development) نشان داده که در تحقق و اجرای آن مشارکت سازمان یافته و موثر مردمی اعضا یک جامعه در قالب سازمان‌های غیردولتی (NGO) مهم‌ترین نقش را ایفا می‌نمایند. سازمان‌های جمعی، مردمی و غیردولتی سازمان‌هایی هستند که متشکل از گروهی از افراد هم‌هدف هستند که به صورت داوطلبانه و غیرانتفاعی وبدون

وابستگی به دولت باتشکیلات و سازماندهی متناسب درجهت نیل به اهداف معینی فعالیت می نمایند. بنابراین مشارکت آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و مبتنی بر اهداف معین و مشخص که منجر به سهم شدن در منابع قدرت می شود، قالبهایی چون انجمن ها، گروهها و سازمان های مردمی را به خود می گیرد، بخشی از فرایند چنین توسعه ای را تشکیل می دهد که به آن توسعه مشارکتی نیز می گویند.

با توجه به آنچه گفته شد یکی از زمینه های مربوط به مدیریت یکپارچه آب و خاک در آبریز حبله رود به مشارکت مردم در اجرای پروژه های توسعه ای که مبتنی بر مشارکت مردمی است، استوار است. برای دستیابی به این هدف ضرورت دارد که زمینه های نظری و تجارب برخی از کشورهای جهان سوم مربوط به مشارکت مردم در اجرای پروژه های توسعه روستایی مورد بررسی و تفحص قرار گیرد. آنچه که در فصل اول (بررسی ساختار اجتماعی حوزه آبریز حبله رود) اختصاص داده شده است، به بررسی زمینه های مشارکت مردمی و برخی تجارب کشورها اختصاص دارد، تادپر تو این تجارب بتوان درسیج مردم روستایی منطقه درسیاست گذاری و تدوین استراتژی های مدیریت یکپارچه و پایدار منابع آب و خاک درحوزه مورد بررسی، توفیق حاصل کرد.

سابقه تاریخی موضوع

مشارکت به عنوان یک واقعیت اجتماعی و جوهره جوامع انسانی به لحاظ تاریخی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و از فرایندهایی است که با گذشت زمان دگرگون و متکامل شده صورتهای چندگانه ای را به خود گرفته و پنهان از نظر و اندیشه فلاسفه و اندیشمندان اجتماعی نبوده است. عنوان شده که «اصطلاح مشارکت رانخستین بار افلاطون به کار برده است. او این اصطلاح را برای تعیین و مشخص کردن جهتی به کاربرد که باعث می شود تا شناخت ما از جهان و درک و شناخت ایده ها یکی شده و قابل حس شود، این به نوبه خود باعث شناخت موجود سازمان یافته می شود» (گلشن فومنی ۲۰۱ و ۱۳۷۵).

علاوه بر این درمتون دینی و تعالیم و سیره انبیاء نیز شاهد و خود مفاهیم مشارکتی و توصیه و امر به حفظ و تداوم فرایندهای مشارکتی در قالب مفاهیمی چون تعاون، شور و مشورت، وحدت و اتفاق و ... هستیم.

مشارکت در شکل سنتی خود حالتی طبیعی دارد و میزان خودانگیختگی آن در سطح بسیار بالایی است و ناشی از نیازهای اجتماعی، اقتصادی و روانی است ولی در شکل جدید حالتی قراردادی پیدا کرده و از میزان خودانگیختگی آن تا حدودی کاسته شده است ولی همچنان در گرو پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روانی در سطحی پیچیده تر ، به تبع پویایی نیازها، می باشد .

در ایران مشارکت به عنوان فرایندی برخاسته از دین، آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگ عمیق یاریگری و یاری دوستی قدمت بلند و ریشه های پایداری در فرهنگ این سرزمین دارد. جلوه های مشارکتی در تمامی عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی نمودهای ژرف و نمایانی را از خود بجای گذاشته اند.

فقر اقتصادی، فقدان امنیت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، خمیر مایه های مذهبی و ارزش فرهنگ این سرزمین موجب تداوم و بقای مشارکتی در قالبها و گونه های متعدد یآوری، یاریگری، تعاون و ... شده است این گونه های متعدد یآوری را می توانیم برحسب ملاک های گوناگون طبقه بندی نماییم که عنوان شده یآوری و یاریگری در جامعه سنتی ایران چه از لحاظ سمت و سوی کنش یاری (یکسویه یا دو سویه بودن، عمودی یا افقی بودن) آن و چه از نظر سادگی و پیچیدگی روند « یآوری» و یاریگری، چه از نظر درجه لزوم و اجبار و اختیار در کار وجه نظر زمان (موسمی یا غیر موسمی ، گسسته یا پیوسته بودن آن و بالاخره از نظر مضمون و عرصه های یآوری و یاریگری گونه های مختلفی را شامل می شود (فرهادی ، ۱۵۰ ، ۱۳۷۶) که براین مبنای گونه های یاریگری رابه چهار دسته همیاری، دیگر یاری، خودیاری و تعاونی های سنتی تقسیم نموده اند .

همیاری فرایند اشتراک مساعی روستاییان در انجام امور عمدتاً عمرانی روستا دانسته اند که از نتایج و پیامدهای این اشتراک مساعی همه روستائیان برخوردار و بهره مند می شوند . اگر چه این برخورداری ممکن است که به صورت برابر نباشد.

معمولاً همیاری به صورت عرضه نیروی کار داوطلبانه و با پرداخت تمامی یا بخشی از هزینه ها صورت می گیرد به تعبیری «همیاری جریانی دو سویه و افقی که اغلب بین کسانی که کم و بیش تواناییهای مشابه و یکسانی دارند(همتران) یا کسانی که می توانند تواناییهای همدیگر را تکمیل یا کمبودهای همدیگر را جبران کنند پدید می آید(فرهادی ، ۱۳۶۷، ۱۵۲) نمونه هایی از همیاری در جامعه روستایی ایران با تاکید بر حوزه مورد مطالعه که پاره ای از آنها تا به امروز نیز تداوم دارند عبارتند از همیاری در زمینه بیل زدن زمین کشاورزی که به دلایلی

چون عدم دسترسی به ماشین آلات کشاورزی، خرده مالکی، پراکندگی زمین، تنوع کشت، تراس بندی اراضی در مناطق کوهستانی و وجود باغات صورت می گرفته است، همیاری درزمینه آبیاری، کشتکاری، وجین کردن، نشاکاری تنباکو، گوجه فرنگی، بادمجان چینه کشی باغات، تریاک زنی و تریاک گیری (در گذشته)، خرمنکوبی، حفر قنات، حفر چاه عمیق و نیم عمیق، لایروبی قنات، احداث سد و بند و نیز درحوزه های غیر کشاورزی چون دامداری و خانه سازی جریان داشته است و مهم تر اینکه همیاری در امور کشاورزی تنها به مبادله نیروی کار انسانی پایان نمی پذیرد بلکه آنها نیروی حیوانات خود را نیز به یکدیگر واگذار می کنند که مهم ترین آن نیروی گاو کار و پس از آن الاغ، اسب و قاطر است .

خودیاری فرایند مشارکت یک فرد یا گروه با فرد و گروه دیگر در انجام دادن امور مربوط به کشت، آبیاری و غیره است به گونه ای که فرد یا گروه با گروه مقابل نیز عین عمل را برای آنها انجام می دهند . عنوان شده که خودیاری یکی از رایج ترین یاوریهای موجود در جامعه روستایی ماست و اغلب یاوریهایی که حول نوکنی، نگهداری و لایروبی منابع و مجاری آب شکل گرفته از جنس خودیاری است (فرهادی ۱۶۲، ۱۳۶۷) .

دیگر یاری رافریند کمک ویاری به دیگران می دانند که طی آن به سایر افراد کمک ویاری می شود بدون اینکه کمک و منفعتی و خود یاریگر برگردد. این نوع یاریگری عمدتاً در ردیف سنتهای مشارکتی غیر زراعی چون کمک مالی و غیر مالی در عروسیها، عزاداریها و ... قرار می گیرد .

در مواردی که همیاری، دیگر یاری و خودیاری نظم و پایداری بیشتری پیدا می کند و گروههای همیار، دیگر یار و خودیار ظهور پیدا می کنند در خصوص آنها اصطلاح تعاونی های سنتی به کار برده می شود . که مشهورترین اشکال آن در عرصه نظام زراعی ایران بنه می باشد که نام های دیگری چون صحرا، حراثه و ... نیز بر حسب مناطق مختلف در مورد آن به کار رفته است . و در عرصه دامداری شیرواره می باشد که به مانند بنه در ادبیات مربوط به آن شاهد نام هایی چون شیروهره و « شیربهره » و « نگاره » و غیره هستیم و یل دورانست در کتاب مشرق زمین گاهواره تمدن عنوان نموده « قسمتی از اراضی ملک مردم بود و خود به زراعت آن می پرداختند و گاهی خرده مالکان ، جمعیت تعاونی کشاورزی چند خانواری تشکیل می دادند و به صورت دسته جمعی به کاشتن زمین های وسیع می پرداختند » (کلباسی اصفهانی ، ۱۳۶۴، ۵۹) به نظر صفی نژاد نظام تولید زراعی جمعی نوعی تعاونی تولید زراعی سنتی است که در مناطق کم آب شرق ایران تا قبل از انجام مراحل مختلف اصلاحات ارضی

وجود داشت. معروف ترین این واحد به نام « بنه » در تهران « صحرا » در خراسان و « حراثه » در شیراز و کرمان نامیده می شدند. موجودیت این واحد بر اساس همکاری و تعاون استوار بود که این همکاری معمولاً از حدود کار صحرائی تجاوز نموده دامنه اش تا همکار نزدیک خانوارهای عضو واحد ادامه می یافت (صفی نژاد، ۱۳۵۵، ۱۶۵) و در تعریف بنه عنوان شده بنه یک واحد مستقل زراعی بود که عده ای دهقان با سمت های مشخص اجتماعی بر اساس تقسیم کاری که مبتنی بر امتیازات اقتصادی و منزلت های اجتماعی بود در یک یا چند قطعه زمین مشخص با مقدار آب و نیروی شخم (گاوکار) معین بوسیله تعدادی ابزار کار متعلق به بنه به مدت یکسال زراعی در یک آبادی به کشت و زرع می پرداختند (صفی نژاد، ۳، ۱۳۵۳). این نکته را نیز باید یادآور شویم که در خصوص علل بوجود آمدن بنه به عوامل متعددی اشاره شده از جمله صفی نژاد علل پیدایش بنه را کمبود باران و « مالکیت یک مالک بر یک ده تک مالکی را از دلایل پیدایش بنه می داند (صفی نژاد، ۸۹، ۱۳۵۶).

ساعدلو طریقه خاص آبیاری و مشکلات ناشی از آن را موجب بوجود آمدن بنه می داند (ساعدلو، ۱۳۵۷، ۸۹) و عجمی در مقاله کشاورزی و توسعه روستایی در ایران نیاز نظام آبیاری به کار گروهی و مالکان غایب از ده که رعایا را به کار زراعی جمعی تشویق و ترغیب می نمودند را از علل وجود بنه ها می داند (عجمی، ۱۹۷۶، ۱۴۱۰).

در مجموع بنه به عنوان یک واحد بهره برداری جمعی زراعی برخوردار از مدیریت تعاونی بود که در آن نوعی تقسیم کار مبتنی بر مهارت وجود داشته و در بین اعضای آن نوعی تعلقات خویشاوندی وجود داشته که این تعلقات « سبب شده که بنه ساخت قبل از اصلاحات ارضی خود را تا مدتی پس از اصلاحات ارضی حفظ کرده و دست نخورده باقی بماند » (از کیا، ۲۳۱، ۱۳۶۴). هرینه برخوردار از رئیس بوده که آن را از سر بنه می گویند و معاون او را ورینه یا پا بنه می نامیدند. در بعضی مناطق سربنه ها، سراویار نیز خوانده شده اند عنوان شده که « ورینه ها خویشاوند سربنه ها می باشند که وجود این ارتباط خانوادگی سبب دوام بنه می شود. سربنه ها در واقع رهبران محلی می باشند و بعد از مرگ سربنه شغل وی به پسر وی می رسد » (کوپاهی، ۲۶۷، ۱۳۶۷).

علاوه بر این ها در گذشته فعالیت های جمعی و مشارکتی در اشکال مختلف خود وجود داشته است و پاره ای از آنها تا به امروز نیز وجود دارند برای نمونه از فعالیت جمعی چرداغ نام می برند که در نخیلات برای جمع آوری محصولات، اهالی جمع می شدند و به یکدیگر کمک می کردند. از عون به عنوان فعالیتی که منجر به کمک به کشاورزانی که در درو و برداشت

محصول خود، به خصوص گندم، عقب مانده بودند از نثار برای بذریابی گندم ونشستاء برای کاشت هندوانه و از نوبه برای چرای گاو و مراسم برای به چرا بردن گوسفند ها نام می برند . همچنین عنوان شده که مشارکت در محصولات زمستانی خیلی کم است ولی در محصولات تابستانی همکاری و مشارکت بیشتری وجود دارد مثلاً تشکیل بنه کار که معمولاً از بیرون وارد منطقه شده است و یا در شلتوک که کل مراحل آن حالت مشارکتی دارد.

با ورود به دوره جدید وتحول درساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه نهادهای مشارکتی نیز دچار تغییر وتحول شده اند. دراجتماعات روستایی با انجام اصلاحات ارضی و ورود ماشین آلات کشاورزی وتشدید رابطه بین شهر و روستا وگسترش پوشش رسانه ای درساختار اجتماعی واقتصادی روستاها تغییراتی حادث شده و گونه های مشارکت سنتی در قالب های مطرح شده به تدریج اهمیت اولیه خود را تقریباً ازدست داده و مواجه با اشکال جدید مشارکتی می شویم که برخلاف الگوهای مشارکتی قبلی که خصیلتی خود انگیخته داشتند حالت وخصیلت برانگیخته پیدا می کنند زیرا به نوعی از بیرون بر اجتماع وجامعه روستایی تزریق می شوند. آنچنانکه « راجرز مشارکت برانگیخته توسط دولتها (از راه برنامه ریزی) را راه حل مشارکت مربوط به مشارکت مردمی درجهان سوم پیشنهاد می کند تا بدینوسیله سازمانهای مشارکتی ایجاد ودرامر انتقال جامعه به سوی نوسازی مؤثر واقع شوند . بنابراین نظریه مشارکت درجوامع سنتی وجود ندارد و باید بوسیله دولتها به عنوان عوامل خارجی ایجاد و برانگیخته شود .» (حامد مقدم ،۲۹۲، ۱۳۷۳). درجوامع روستایی ایران بعد از اصلاحات ارضی به نوعی شاهد چنین مشارکتی می شویم مشارکتی که کمتر توانست براساس محمل های جامعه سنتی ایران بنا شوند که چنین وضعیتی درعدم موفقیت نهادهای مشارکتی هدایت شده از بیرون وشاید بهتر باشد بگوییم تحمیل شده از بیرون بی تأثیر نبوده است . نمونه ای از این نوع واحدهای مشارکتی شرکت های تعاونی روستایی هستند که اگر چه سابقه اولیه آنها به تشکیل صندوقهای تعاون درسال ۱۳۲۵ در مراکز بخش مناطق روستایی برمی گردد. لکن باآغاز برنامه اصلاحات ارضی وحذف مالک و ضرورت برخوردار شدن از مکانیزم هایی برای جانشینی مالک از طرف دولت مورد توجه و گسترش واقع می شوند.

نمونه دیگر شرکتهای تعاونی تولید کشاورزی هستند که « دراوایل دهه ۱۳۵۰ دولت به منظور بالا بردن میزان عملکرد در واحد سطح وکشت یکپارچه با حفظ مالکیت فردی دهقانان بر روی قطعات متعلق به خود وپیشبرد برنامه های زراعی و استفاده هرچه صحیح تر از منابع آب وخاک موجود و بالاخره افزایش درآمد زارعان تعاونیهای تولید روستایی را ایجاد کرد»

(ازکیا، ۱۳۶۵، ۲۵۷) از طرفی ایجاد روحیه همکاری و مشارکت، جلوگیری از خرد شدن مجدد زمینهای کشاورزی و استفاده مشترک از ماشین آلات کشاورزی و تجهیزات از اهداف این شرکتها بوده است (لهسایی زاده، ۱۳۵۷، ۲۶). آنچنانکه در قانون این شرکت ها آمده که « هر تعاونی می بایست به تولید زراعت جمعی بپردازد و تسهیلات آبیاری را برای همه زارعان به صورت گروهی فراهم آورد هر شرکت تعاونی تولیدبا یک هیأت مدیره که منتخب مجمع عمومی زارعان عضو می باشد اداره می گردد. محدوده فعالیت این نوع شرکت بین ۳ تا ۱۵ روستا بوده و تعداد این شرکتها تا سال ۱۳۵۷ به ۳۹ شرکت رسید (ازکیا، ۲۵۷، ۱۳۶۵). بعد از انقلاب این تعاونیها ازسیر اصلی خود تقریباً خارج شده و بیشتر تبدیل به نوعی مراکز خدمات کشاورزی روستایی شده اند. البته در دوره قبل از انقلاب شرکتهای تعاونی زراعی نیز به عنوان نوعی نظام بهره برداری مطرح می شوند که از مشارکت سرمایه های کشاورزی و دولت در سطح زمینهای روستایی تشکیل می گردند.

خانه همیار روستایی نیز از نهادهایی است که برای سازماندهی عنوان مشارکت مردم در روستاهایی که جمعیت آنها بالاتر از ۳۰۰ خانوار بود تحت نظر شورای اسلامی می توانستند تشکیل گردند در اساسنامه این نهاد ضرورت های زیر را برای تشکیل آنها مطرح نموده اند که عبارتند از:

- ۱- سازمان دهی اجتماعی
- ۲- سازمان دهی و تداوم مشارکت مردم
- ۳- نهادی شدن توسعه
- ۴- نگهداری طرحها و پروژه های اجرا شده
- ۵- طرح جامع توسعه روستایی

مکانیزم دیگری که بعد از انقلاب برای توسعه جامعه روستایی ایران مورد استفاده قرار گرفته و به نوعی در پی ایجاد انگیزش و روحیه روستائیان جهت مشارکت در توسعه روستایی بوده است مراکز خدمات روستایی هستند. این مراکز باهدف تمرکززدایی و برخورد و تماس نزدیک با مسائل و مشکلات روستائیان و عرضه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی، آموزشی، تحقیقی، ترویجی، تهیه و توزیع وسایل و نهاده های کشاورزی در مراکز روستایی به عنوان راهکار والگویی توسعه بخش کشاورزی مورد تأیید قرار می گیرند. بنابراین، « مرکز خدمات کشاورزی روستایی و عشایری یک واحد برنامه ریزی،

هدایتی، حمایتی و نظارتی بخش کشاورزی در سطح دهستان که با اعمال سیاستها و برنامه های کشاورزی باهمکاری و مشارکت مردم، براساس شناخت عوامل تولید، موجبات بهبود و توسعه کشاورزی و حفظ بهبود منابع طبیعی به صورت جامع را در درون نظامهای بهره برداری منطقه مورد عمل فراهم می سازد « ازکیا، ۲۸۸، ۱۳۶۵).

درسایر کشورها

نهادهای مشارکتی در کشورهای در حال توسعه جدای از قالبهای سنتی اشان که از تنوع دیرینه ای عمیق برخوردارند در اشکال و قالب های جدید اصولاً پس از سرخوردگی از رویکردهای توسعه ای برون زا و متمرکز حاصل شده و تنوع و گستردگی فوق العاده پیدا نموده اند. به گونه ای که در این کشورها شاهد هزاران سازمان غیردولتی در مقیاس های محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی هستیم که نقش سازمان های بین المللی و منطقه ای در توسعه آنها رانیز نباید نادیده گرفت.

به نظر می رسد بانگاهی گذرا به تاریخ شکل گیری این نهاد ها بتوانیم، نقطه شروع راطرح رویکرد عمران اجتماعی (Community development) قرار دهیم که خاستگاه آن راباید در آغاز این قرن در ایالات متحده و سپس در هند در قالب پروژه میدانی اتاوا (۱۹۸۴) جستجو کنیم.

این پروژه در پی بسیج روستاییان باهدایت کارگران روستایی چندکاره برای تولید، تقویت و بهبود زیربنای روستایی و افزایش خودیاری بود. پروژه ای که در ۱۹۵۲ دولت هند آن را به برنامه عمران اجتماع (Community development program) برای کل مناطق روستایی کشور تبدیل نمود. به تغییر داب (Dube) جامعه شناس هندی این برنامه یک فرایند ابتکاری برای تغییر هدفمند و همه جانبه فرهنگی برای تحول حیات اجتماعی و اقتصادی روستاها بود (Dube، ۱۹۵۸، ۸) و به تغییر هولم و ترنر برنامه عمران اجتماعی به لحاظ مفهومی نوعی راهبرد مشارکتی بود که کارگران روستایی چند منظوره راجذب سازمان محلی نموده و با ارتقاء آموزش و آگاهی شان آنها راتشویق به کنش و اقدام جمعی برای برخورد بامسائل و نیازهایشان می نمود (Hulme and، ۱۹۸۷، ۱۹۹۰). البته نظام بوروکراسی پیچیده ای که پیامد چنین برنامه ای بود که به تدریج عمق و گستردگی مشارکت راتقلیل داد. که زمینه نقد این برنامه رانیز فراهم نمود. با طرح مشکلاتی چون ناکارایی اقتصادی، قطبی شدن جامعه و بسط نظام بوروکراسی موجب کناره

گیری از چنین برنامه هایی شد. به نظر رابرتسون (Robertson) شکست این نوع برنامه ها در جوامع روستایی ناشی از برداشت نامناسب و ناکافی از مفهوم اجتماع محلی است که بنیاد وزیربنای چنین برنامه هایی را تشکیل می دهد. به نظر او برنامه ریزان توسعه یک عقیده قالبی نسبت به اجتماع روستایی دارند که آن راساده، متجانس، همگن، پایا و نسبتاً خودکفا می پندارند درحالیکه مطالعات جامعه شناختی و مردم شناختی نشان می دهند که روابط موجود بین روستاییان پیچیده و به طور مداوم در حال تغییر است و تفاوت های اجتماعی و اقتصادی موجب احساس نیاز متفاوت و نیز تعارض های پیدا و پنهان در میان روستاییان شده است (Hulme and Turner, 189, 1990).

چنین یافته هایی موجب شدند که پژوهشگران و برنامه ریزان نسبت به مشارکت در برنامه های توسعه روستایی دقیق تر شوند. در سال ۱۹۷۳ رابرت مک نامارا (Robert macnamara) رئیس بانک جهانی عنوان نمود مردمی که بیشتر از همه نیازمند بهره گیری از تلاش های توسعه ای هستند زارعان روستایی به عنوان فقیرترین فقیران جهان می باشند. به نظر او فقر آنها ناشی از مشارکت ندادن آنها در فرایندهای توسعه ای مربوط به آنها است اگر برنامه توسعه توسط کسانی طراحی شود که آگاهی از مسائل نداشته و توسط کسانی اجرا شود که اشتیاقی به آینده زارعان نداشته باشند هیچگونه کمکی به زارعان خرده پا نخواهد بود (کرمی و فنایی، ۲۱۸، ۱۳۷۳). دیدگاه مک نامارا به عنوان نخستین فراخوان عمومی زارعان خرده پا برای مشارکت در تصمیم گیری توسعه اعتبار یافت و زمینه ای برای مشارکت عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرح های خود توسعه یافتگی (Self development) و طرح های مبتنی بر هیافت خوداتکایی شد.

(Taitli and Brown, 1999, 1)

کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی که در ۱۹۷۹ توسط فائو در رم برگزار گردید به اتفاق آراء پذیرفت که مشارکت یک حق اساسی انسانی است و هیچ ایده ای بنیادی تر از این اندیشه نیست که کشاورزان و روستاییان باید در برنامه ریزی و اجرای طرح های توسعه مشارکت داشته باشند. آن چنانکه قبل از آن در سال ۱۹۷۷ مارشال (Marshal) در مقاله معروفش تحت عنوان شهروندی و طبقه اجتماعی (Citizenship and social class) شهروندی را مشتمل بر حقوق سه گانه

۱- مدنی و حقوقی (حقوق آزادی اندیشه، بیان، عمل مذهبی و مالکیت برای فرد)

- ۲- سیاسی (حق رأی دادن و نامزد شدن برای مناصب سیاسی)
- ۳- اجتماعی (حق مشارکت افراد برای ایجاد تعالی و بهزیستی اجتماعی و اقتصادی در اجتماع محلی تعریف نموده است (Higgins , ۱۹۹۸ , ۲۸۹) .
- در ۱۹۸۹ توسط فائو برنامه عمل (Plan of action) مطرح شد که هدف اصلی آن تقویت مشارکت فعال مردم در دستیابی به توسعه روستایی پایدار بود که حوزه عملیاتی خود رابه هفت حوزه :
- ۱- ارتقاء آگاهی عمومی از اهمیت مشارکت و سازمان های مردمی در توسعه روستایی و کشاورزی
 - ۲- تهیه و ایجاد زمینه های قانونی و سیاسی مناسب برای مشارکت مردم
 - ۳- تقویت ظرفیت های درون سازمانی در سطوح محلی و ملی
 - ۴- تمرکززدایی از تصمیم گیری دولت
 - ۵- ترویج گفتگو و همکاری فنی بین دولتها ، کارگزاران توسعه و سازمان های مردمی
 - ۶- ایجاد شیوه ها و روش های عملی که گسترش مشارکت را تسهیل نماید
- ارزشیابی و ارزیابی مشارکت مردمی تقسیم می کند (FAO , ۳, ۱۹۹۱). علاوه بر این فائو برنامه مشارکت مردمی (People's , participation) را نیز مطرح می نماید که عناصر اصلی این برنامه عبارتند از : ۱- تأکید بر روی فقرای روستایی ۲- گروههای کوچک ۳- سازمان های اجرایی محلی ۴- گروه مروجین ۵- درآمدزایی ۶- گروه اعتبار ۷- آموزش خوداتکایی. این پروژه در قالب توسعه روستایی مشارکتی بهبود در شرایط اقتصادی ، سیاسی و توانمندیهای فقرای روستایی رامورد توجه قرار می دهد و اولین وظیفه خود را شناسایی مناطق محروم و فقرای ساکن مناطق که خواهان مشارکت در پروژه ها هستند می داند. عنصر اصلی در این برنامه تشکیل گروههای خودیاری (self _ help) در میان فقرای روستایی، به عنوان اولین مرحله بلند مدت نهادسازی است . در تشکیل این گروهها به مواردی چون کوچک بودن، همگن بودن، فعالیت درآمدزا داشتن، داوطلبانه و خودگردان بودن تأکید شده است . اهداف این گروهها در درجه اول افزایش تولید، درآمد، کاهش هزینه ها، تسهیل در حمل و نقل، بازاریابی و دستیابی به صنایع در مقیاس کوچک می باشد (FAO , ۱-۳ , ۱۹۹۶) . در مجموع در دهه ۱۹۹۰ تقریباً همه سازمان ها و مؤسسات بین المللی بر رویکرد مشارکت مردمی در توسعه تأکید می نمایند .

یونیسف (unicef) نیز بر توجه به بعدانسانی و مشارکت مردم در تدوین سیاست توسعه و استفاده از تواناییهای محلی تأکید دارد (۳ , ۱۹۹۶ , FAO). برای آشنایی بیشتر با تجارب مشارکتی در اینجا به برخی از فعالیتهای مشارکتی در کشورهای مختلف اشاره می گردد. — در جمهوری کره در سال ۱۹۷۱ جنبش ساموئل آندونگ (Saemuul undoug) در تحولات روستایی جمهوری کره به عنوان یک جنبش بیدار سازی نقش بسزایی داشته و توانسته است برای روستاییان این ذهنیت رافراهم سازد که در اجرای پروژه های توسعه در سطح محلی مشارکت نمایند.

— نقش کمون های روستایی چین در تحقق مشارکتهای خلقی ونیل به توسعه روستایی و تأثیر گذاری آنها در مقیاس ملی ونیز نقش آنها در تسهیل برنامه های ملی چون برنامه اصلاحات ارضی در ادبیات توسعه روستایی وبرنامه های مشارکتی به عنوان الگویی از توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفته است .

— در فیلیپین رویکرد مشارکتی برای توسعه آبیاری را داریم . که در سال ۱۹۷۶ اداره آبیاری ملی فیلیپین شروع به آزمایش رویکرد مشارکتی برای توسعه آبیاری می نماید . تلاش می شود که کشاورزان برای بهبود و پیشرفت در سیستم آبیاری از آغاز در برنامه ریزی واجرای پروژه ها مشارکت داده شوند . این رویکرد در ۱۹۸۲ به صورت برنامه ای در سطح ملی برای سیستم آبیاری مطرح شد . آنچه که در قالب این برنامه اهمیت دارد مشارکت مردمی وماهیت دیوانسالاری مورد نیاز برای حمایت از مشارکت می باشد . اداره آبیاری در فیلیپین برای سالهای مدیدی به سیستم های آبیاری به لحاظ ساخت وبازسازی فیزیکی وبهبود توسعه سیستم آبیاری کمک می کرد ولی کشاورزان محلی که پروژه ها برای آنها ساخته می شد وانتظار می رفت که پس از ساخته شدن ویا بازسازی پروژه ها آنها را اداره ونگهداری نمایند کمترین توجه می شد . انجمن های آبیاری باعجله از طریق فراخوانی به یک نشست وانتخاب مسئولین تشکیل می شدند . ولی به ندرت انجمن قوی وکارایی تشکیل می گردید .

رویکرد مشارکتی به طور بنیادی شیوه دخالت در اداره آبیاری ملی را دگرگون نمود . تحت این رویکرد زمان شروع کاروقتی بود که کشاورزان درخواست کمک نمایند . همزمان با درخواست آنها سازمان دهنده محلی به منطقه فرستاده می شد . وظیفه او کمک به کشاورزان برای تشکیل انجمن آبیاری ویا تقویت انجمن موجود بود . سازمان دهنده کمک می نمود انجمن بامهندسین برای توسعه فیزیکی سیستم آبیاری مشترک کار نمایند . در پروژه های مقدماتی که به عنوان شروع کار مطرح می شدند زمینه هایی که نیازمند کار مشترک کشاورزان ومهندسین بود

چون تهیه نقشه های مکان نگاری، تعیین ساختار ها و کانال ها ، بحث در مورد صرف نظر نمودن از حق مسیر آبیاری توسط مالکان ، بازسازی طرح ، بکارگیری نیرو و نظارت بر هزینه ها تعیین می شدند.

حاصل این رویکرد مشارکتی کارا تر شدن سیستم فیزیکی آبیاری، تقویت انجمن های آبیاری ، به حداقل رسیدن اتلاف منابع و اختلاس، بهبود در روابط بین کشاورزان و مهندسان ارزیابی شده است. نظام اداری نیز در این خصوص پروژه فرایند یادگیری مبتنی بر کارگزاری، توجه به پروژه های مقدماتی به عنوان آزمایشگاه یادگیری و بسط و گسترش پروژه های مقدماتی رادنبال می نمود. در مجموع تجربه آبیاری در فیلپین اولاً نشانگر این موضوع است که چگونه نظام اداری می تواند به رویکرد مشارکتی کمک نماید تا مردم محلی توانمندی هایشان را توسعه دهند . ثانیاً این برنامه نشان می دهد که توسعه اجتماعی و اقتصادی نباید به عنوان دو فعالیت منفک از یکدیگر دیده شوند بلکه باید در قالب فرایندی واحد، توأم با مشارکت مردم محلی که وضعیت اجتماعی و اقتصادی را ارتقاء می دهد مورد توجه واقع شود (۱۸۶- ۱۷۹ ، ۱۹۸۵ ، Korten).

- در بنگلادش سازمان غیردولتی پروشیکا مطرح شده است . واژه (Proshica) در زبان بنگالی به معنای گسترش آموزش، تربیت و کنش است . که این سه عنصر در مرکز رویکرد توسعه روستایی پروشیکا قرار گرفته اند. اهداف پروشیکا عبارتند از : ۱- ایجاد فرآیند توسعه به گونه ای که محرومین و فقرای روستایی بتوانند در فعالیت های مربوط به حیات اجتماعی و اقتصادی شان مشارکت نمایند ۲- ارائه آموزش های مربوط به فنون انسانی و عملی به رهبران اجتماع محلی ، مروجین و رهبران گروه های هدف برای ارتقاء توانایی شان در شناسایی مسائل ، بسیج منابع و حل مسائل فقرای روستایی ۳- حمایت از فعالیتهای درآمدزا به منظور تقلیل وابستگی اقتصادی روستاییان به منابع بیرونی (۱۹۷ ، ۱۹۸۵ ، Mohabbat Khan).

پروشیکا به عنوان یک سازمان غیردولتی (NGO) خود را آژانس توسعه انسانی می داند که روی آموزش، اعتبار روستایی ، پروژه های جنگلداری اجتماعی و آبیاری در مقیاس کوچک تأکید دارد . ترویج و استفاده از فعالیتهای فرهنگی برای ارتقاء آگاهی و فهم مردم از شرایط توسعه نیافتگی شان و چگونگی غلبه بر فقر و محرومیت شان و نیز سازماندهی گروهی آنها در سطح روستاها که به لحاظ محلی سامیتی (Samity) نامید می شوند از اهم فعالیت های این سازمان غیر دولتی هستند . برخی از سامیتی ها مدیریت طرحهای آبیاری در مقیاس کوچک ، حفاظت از محیط های جنگلی، پرورش درخت ، کاشت درخت در مسیر جاده ها و نیز ساختن

برخی از صنایع کارخانه ای راعهده دار هستند (- ۷۵ , ۱۹۹۵ , Rahim) تصمیم گیری مشارکتی به عنوان یک فعالیت محوری در این سازمان مطرح است . در ۱۹۸۰ این سازمان فعالیتش را به ۱۰۰۰ روستا در قالب ۴۰۰۰ گروه که ۹۵ درصد اعضای این گروهها را افراد فاقد زمین تشکیل می دادند بسط داده است . رویکرد تصمیم گیری مشارکتی در پروشیکا موجب رشد وسیع دستگاه بوروکراتیک، چیزی که در اغلب برنامه های روستایی دیده می شود ، شده است . در مجموعه برنامه های مربوط به توسعه روستایی که در بنگلادش اجرا شده اند پروشیکا توانسته است فرصتهای بیشتری را برای مشارکت فقرا در برنامه های توسعه فراهم سازد (۱۹۷) (Mohabbat khan , ۱۹۸۵) .

پانچیات ها (Panchyat) در هند و فعالیتهای مشارکتی جدید نمونه دیگری از عمل مشارکتی را نشان می دهند. از سازمان های بومی قدیمی در هند پانچیات های روستایی هستند. پانچیات یک نظام دموکراتیک و خودمختار در سطح روستا است که قبل از تصویب قانون خودمختاری محلی ۱۹۱۹ وجود داشته اند. معنای لغوی پانچیات انجمن یا کمیته پنج نفره می باشد . پانچیات سمبل وحدت پنج نفر است که معمولاً به عنوان عقلای قوم مورد تکریم و احترام هستند. پانچیات به عنوان یک نماد بومی مشروعیت و توانمندی اش را از اجتماع محلی می گیرد. و در حل مسائل و مشکلات حقوقی روستاها ایفای نقش نموده و تصمیمات آن از حمایت اجتماعی برخوردار هستند. این حمایت موجب نهادی شدن آنها گردیده است . در دوره استعمار بریتانیا بر هند پانچیات ها به عنوان پایین ترین رده نظام اداری محسوب می شدند و در دوره استقلال با عنایتی که نسبت به حاکمیت مردم لحاظ می شد آنها نیز مورد توجه قرار گرفتند در نظر گاندی پانچیات ها باید نهادی پویا و یاریگر تحول جوامع روستایی باشند. البته با تحولاتی که در نظام کاستی ، طبقاتی و روابط قدرت در هند بوجود آمد پانچیات ها نیز دچار تغییر و تحول شدند به گونه ای که دیگر مهم نبود که اعضای پانچیات از کاست های مسلط باشند بلکه افرادی وارد پانچیات می شدند که برخوردار از موقعیت اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی باشند (۱۲۶ , ۱۹۹۶ , Kumar) . به تدریج پانچیات ها تبدیل به یک نظام دولتی شدند که زیربنای سیاسی را برای حاکمیت دولت فراهم می نمودند و از طرفی با تقویت و تدوین قوانین و آیین نامه ها از حقوق بگیران روستایی دفاع می نمودند (, ۱۹۹۶ , Watkiny , ۱۰۵) . نوآوری فنی دهه ۱۹۶۰ چون انقلاب سبز و نیز نظام سیاسی متمرکز دهه ۱۹۷۰ و برنامه توسعه روستایی یکپارچه و تقویت نظام دیوانسالاری در روستاها موقعیت پانچیات ها را تضعیف نمود که در ۱۹۷۷ برای تقویت آنها پیشنهادی مبنی بر تمرکززدایی و

سازمان دهی مجدد روستاها مطرح می‌گردد (Kumar , ۱۹۹۶ , ۱۲۷). در مجموع پانچیات ها در روستاهای هند فضای مناسبی را برای تصمیم‌گیری دموکراتیک و مشارکت مردم فقیر فراهم نموده اند . اگر چه به لحاظ سیاسی و دیوانسالاری از مداخله از بیرون بری نبوده اند. ولی آنچه که اهمیت دارد، بهره‌گیری مجدد از آنها به عنوان محلی برای فعالیتهای مشارکتی جدید می باشد که وجود کمیته های آب و نیز انجمن های جوانان روستایی که به عنوان سازمان های غیردولتی با داشتن ارتباط با پانچیات ها بوجود آمده اند نمونه هایی از بهره‌گیری مجدد از این نهاد بومی می باشند .

در بنگلادش کامیلا (Comilla) راهبردی برای مشارکت کشاورزان کوچک در گروههای تعاونی بود که به طور ویژه ای سازماندهی می شدند . در قالب این تعاونیها ، زارعین الگویی را انتخاب می نمودند که بر مبنای آن درس های هفتگی را برای اصلاح فعالیت های کشاورزی شان دریافت می نمودند . مشارکت در شکل نقادی از خود (Self _ Criticism) یا خود ارزیابی در همه سطوح تشویق می شد . بدین ترتیب کل پروژه به کرات مورد تصحیح قرار می گرفت . سیاست مشارکتی مهمترین مؤلفه این رویکرد بود . این راهبرد تحت هدایت حامیل خان (Hamil Khan) که فردی دانشگاهی بود و از حمایت دولت و سازمان های کمک کننده برخوردار بود پیگیری می شد .

مؤلفه های اصلی برنامه کامیلا عبارت بودند از :

- ۱- طراحی نظامی که متناسب با فعالیتهای بخش های مختلف دولت باشند که این کار توسط مرکز توسعه محلی صورت می گرفت.
- ۲- تشکیل نظام دوجانبه از انجمن های تعاونی روستایی برای کشاورزان کوچک که در سطح محلی با اتحادیه مرکزی پیوند پیدا می کردند.
- ۳- اجرای برنامه های کاری و عملی برای ایجاد تسهیلات زیربنایی و ارتباطاتی، که مسئولیت شناسایی و چگونگی اجرای پروژه ها در مرکز تعیین می شد.
- ۴- مشارکت در اجرای برنامه های مربوط به آبیاری که شامل حفر کانال ها و چاه برای کشاورزی و نیز عرضه تجهیزات آبیاری به روستاییان می گردد.

کامیلا اگرچه در آغاز قرن با موفقیت هایی همراه بود ولی به سرعت تعاونی های آن تحت کنترل زمین داران بزرگ قرار گرفتند. در مورد آنها عنوان شده است در سطح محلی نخبگان محلی تعاونی ها را تحویل گرفته و به انهدام آنها پرداخته اند . در سطح ملی نیز منافع بزرگ

مالکان و نیز گسترش نظام دیوانسالاری، بی تفاوتی و بی توجهی دولت و درموردی برعکس با کنترل شدید آنها در نابودی این تعاونی نقش داشته اند.

کامیلا به دلیل عدم برخورداری از ساختار مناسب و نیز گسترش بی رویه گروههای تعاونی که فرصت مشارکتی واقعی را محدود می نمود. در عمل در اختیار گروههای برخوردار قرار گرفته و بهره گیران واقعی از فواید پروژه ها، نخبگان و گروههای توانمندی شده اند که هیچ فعالیتی در پروژه ها نداشتند (۸۹-۹۰ ، Mohbbat Khan ، ۱۹۸۵).

ساری لاکاس (Sari Lakas) به معنای تقویت شدن، نامی است که به اقدام برای تقویت و افزایش مشارکت مردم در روستاهای فیلیپین داده شده است. نقطه شروع آن در قالب پروژه اتحاد عملی توسعه کارگران روستایی فاقد زمین (Identification for the development of Landless Rural Workers Barangay Amar Farmers) بود. ۲۸ نفر از روستاییان تشکیل سازمانی را دادند که انجمن کشاورزان بارانگی آمار (Association) نامیده شد. از طرفی ساری لاکاس پس از شکست برنامه اداره امور روستای فیلیپین که در قالب تسهیل کنندگان محلی در پی تشویق روستاییان به ارتقاء فعالیت مشارکتی و تشکیل سازمان های محلی بود وجود آمد.

حرکت ساری لاکاس مورد حمایت سازمان بین المللی کار نیز قرار می گیرد. در قالب این برنامه اعضا با یکدیگر پیوند نزدیک دارند و دارای سبک زندگی یکسانی بودند. بر حل مسائل ضروری و اولویت بندی مسائل شان تأکید داشتند. اعضای این برنامه ابتدا از طریق مذاکره با بانک زمین (Land bank) وام های تولیدی را برای تهیه کود شیمیایی دریافت می نمودند که در مرحله اول توانست پاره ای از مشکلات آنها را رفع نماید لیکن بزودی متوجه شدند که بهره این وام ها که ۱۴ درصد بود بسیار زیاد و برای آنها شکننده است. برای حل این مشکل اعضا تصمیم می گیرند که صندوق پس انداز جمعی را بنیاد نهند تا از طریق این صندوق وام های مورد نیاز را تأمین نمایند. آنها موافقت می کنند که هر عضو پنجاه پزو^۱ و یا یک گونی (کیسه) برنج بعد از فصل برداشت محصول (دو بار در یک سال) به صندوق تحویل دهند. در سال ۱۹۸۲ حجم سرمایه صندوق آنها به دو هزار پزو رسیده بود که شروع به دادن وام به اعضا با بهره ۱۰ درصد نمودند ولی اعضا واقف بودند که این بهره به صندوق خودشان برگردانده می شود. با سرمایه ای که در اختیار داشتند تصمیم به خرید یک تراکتور می گیرند

۱- واحد پول فیلیپین (تقریباً هر ۹ هزار پزو برابر بایک دلار می باشد).

وسپس از طریق سفارت اشان از دولت کانادا بیست هزار پزو وام می گیرند وبا این وام آسیاب برنج را خریداری می نمایند. برنامه های ساری لاکاس محدود به یک روستا فقط کشاورزان نشده بلکه گروههای دیگر چون ماهیگیران رانیز تحت پوشش قرار داده است و سه استان کشور و بیش از ۳۰۰ روستا و ۵۰ شهرک راتحت پوشش دارد. درساری لاکاس مردم با کنش و مشارکت و مشارکت جمعی شان خوداتکایی رادرخود تقویت نموده اند که نمونه بارز آن مقاومت دربرابر نگرفتن وام با بهره بالا از بانک زمین و تشکیل صندوق پس انداز بود که این امر خود اتکایی مالی وتقلیل وابستگی درآنها راتقویت نموده است .

به تعبیر رحمان دراین برنامه این ایده که فعالیتهای اقتصادی همیشه همراه با موفقیت نیستند و مهم این است که شکست ها به عنوان تجربه ای برای یادگیری و تداوم فعالیت باشند ومردم همه چیز را از دریچه رشد اقتصادی نگاه نکنند و درفرایند مشارکتی جایگاه خود را پیداکنند عملاً تحقق پیدا کرده است (Rahman , ۱۹۹۳ , ۵۲-۴) .

تجربه توانمند سازی دریکی از روستاها فیلیپین نمونه دیگری از فعالیتهای مشارکتی است که از طریق تشویق یک سازمان دهنده محلی ۲۵ خانواده روستایی یک منطقه کوهستانی تصمیم به تشکیل یک تعاونی مصرف می گیرند . در آغاز به کسب آموزش مدیریتی ازیک سازمان غیردولتی محلی پرداختند و به تدریج بانقش ها، مسئولیت ها و آئین نامه های تشکیلاتی آشنا شدند . علت تشکیل تعاونی وجود فروشگاهی درمحل بود که قیمت های آن ۵۰ درصد از قیمت فروشگاههای شهربیشتر بود و از طرفی برای رسیدن به شهر می بایست چهار ساعت پیاده روی صورت می گرفت . به هر حال آنها باتشکیل تعاونی مصرف وبا کمک گرفتن از سازمان غیردولتی محل به نوعی توانمندسازی دست پیدا کردند و بواسطه آن توانسته بودند تصمیم گیری را درخود تقویت نمایند. که نمونه ای از این توان را درموقع انتخاب ریاست جمهوری به نمایش گذاشتند . شهردار محلی وبرخی دیگر از مقامات رسمی ازمنطقه بازدید می کنند آنها فقط یک پیام داشتند وآن اینکه به مارکوز رأی بدهید . آنها فرصت نداشتند که به پرسشهای روستاییان گوش دهند وبآنان وارد بحث شوند بعد از اینکه روستا راترک می کنند روستائیان تصمیم به تحریم انتخابات می گیرند. وقتی روز انتخابات فرارسید ۳۹۵ روستایی برگ های رأیشان را باطل کردند . دو روز بعد سازمان دهنده محل با روستائیان ملاقات کرد. دراین زمینه به آنها چیزی نگفت باوجود اینکه متحیر و متعجب ازکار آنها بود . او ازآنان دلایل کارشان راپرسید یکی از کشاورزان چنین توضیح داد. درتعاونی ما از مشکلات بحث می کنیم به مسائل از زوایای مختلف نگاه می کنیم وقتی که فکر می کنیم آنها را

شناخته ایم تلاش می نمایم که به یک اجماع رسیده و تائید جایی که امکان دارد از گرفتن رأی اجتناب می کنیم. وقتی که مقامات دولتی به روستا می آیند مابه صورت مستدل از آنان سؤال می کنیم. از آنچه که به ما داده اند و آنچه که مادرخواست داشته ایم. ما درخواست معلم، مدرسه و جاده را داشتیم. شهردار برای ما نظامی، اسلحه و برگ رأی می فرستد. او از پاسخ پرسش های ما امتناع می کند او فقط می گوید به مارکوز رأی بدهید. ما از دولت می خواهیم که ما را در اداره فروشگاه تعاونی امان راهنمایی کند. نتیجه اینکه با عمل روستاییان مشارکت اسمی مورد نظر حکومت تحقق پیدا نکرد و از طرفی روستاییان با مشارکت نمایشی که مبتنی بر بهره مند بودن از توان تصمیم گیری که دلالت از نوعی توانمندسازی در میان آنها دارد. در واقع مشارکت تحولی رابه نمایش گذاشته اند (White , ۲۰۰۰ , ۱۷-۱۴).

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵) جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی با همکاری غلامرضا غفاری (۱۳۷۸) جامعه شناسی توسعه. تهران: نشر کلمه.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰) « مراکز خدمات کشاورزی به مثابه الگوی توسعه روستایی » نامه علوم اجتماعی، شماره ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- اوکلی، پیتر و دیوید مارسدن (۱۳۷۰) رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی. ترجمه منصور محمودنژاد، تهران: جهاد سازندگی.
- الغنمی، ام. ار (۱۳۷۲) « بحران فقر روستایی، آیا مشارکت می تواند آن را از بین ببرد ». ترجمه ناصر اوکتابی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره پنجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات روستایی - وزارت جهاد سازندگی.

- برژینسکی، زبینگنیو (۱۳۶۱)، «بحران کمونیسم، مسأله مشارکت مردم در امور سیاسی»، ترجمه ...، اطلاعات، سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵، تهران: موسسه اطلاعات.
- بروگر، ارنست (۱۳۷۲) «شرایط ضروری توسعه از پایین در ساختارهای منطقه ای و سیاسی» ترجمه حجت الله حسن لاریجانی، فصلنامه روستا و توسعه شماره ۵، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- بنت، فرانسیسکو (۱۳۴۷) «نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس» نامه علوم اجتماعی، شماره ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- بیرو، آلن (۱۳۴۶) «فرهنگ علوم اجتماعی» ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- پاتریک، جی بویل (۱۳۷۴) برنامه ریزی در فرایند توسعه. ترجمه غلامرضا احمدی وسعید شهابی، تهران: ققنوس.
- پطروشفسکی و دیگران (۱۳۴۹) تاریخ ایران از دوره باستان تا پایان سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- پیران، پرویز (۱۳۷۶) «مبانی مفهومی مشارکت زنان روستایی». تهران: مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۷۳) «مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی». مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی توسعه. جلد دوم، تهران: سمت.
- دال، رابرت (۱۳۶۴) «تجزیه و تحلیل جدید سیاست». ترجمه حسین ظفریان.
- دشتی، عبدالله (۱۳۷۶) «دیالکتیک انضباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی سانديست ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی» فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راتن، ورنون (۱۳۷۲) «طرحهای توسعه همه جانبه روستایی دورنمای تاریخی». ترجمه عبدالمجید هاشمی علیا، فصلنامه روستا و توسعه، شماره پنجم، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- روکس برو، یان، (۱۳۷۱) «نظریه های جامعه شناسی توسعه»، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: نشر توسعه.
- ساعد لو، هوشنگ (۱۳۵۷) «مسائل کشاورزی ایران». تهران: رواق.

- سینها، آر- پی (۱۳۷۲) « مشکل بی زمینی آیا علاج دارد». ترجمه ناصر اوکتابی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره پنجم، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.

- صفی نژاد، جواد (۱۳۵۳) بینه، تهران: توس.

- صفی نژاد، جواد (۱۳۵۶) اسناد بینه ها، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.

- صفی نژاد، جواد (۱۳۵۵) « تعاونی های تولید زراعی سنتی در ایران ». نامه علوم اجتماعی، شماره ۲، تهران: دانشگاه تهران.

- طوسی، محمد علی (۱۳۷۰) مشارکت در مالکیت و مدیریت. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- عیبدالله خان، ا، زام (۱۳۶۵) « توسعه مشارکتی ». ترجمه عباس مخبر. برنامه ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی. تهران: وزارت برنامه و بودجه.

- فائو (۱۳۷۶) « رهیافت سازماندهی گروههای مردمی و مشارکت در فرایند توسعه روستایی ». ترجمه محمود جمعه پور، ماهنامه جهاد، شماره ۱۹۴، تهران: وزارت جهاد سازندگی.

- فردریکز، ال. اس (۱۳۶۵) « مالزی ». ترجمه عباس مخبر، برنامه ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی. تهران: وزارت برنامه و بودجه.

- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲) فرهنگ یاریگری در ایران (جلد اول). تهران: نشر دانش.

- فرهادی، مرتضی « واره ». نامه علوم اجتماعی، شماره ۵، تهران: دانشگاه تهران.

- فرهادی، مرتضی « گونه شناسی یاوریهها و یاریگریهای سنتی در ایران » نامه علوم اجتماعی، شماره ۱، تهران: دانشگاه تهران.

- کرمی، عزت الله و ابوطالب فناپی (۱۳۷۳) « بررسی نظریه پردازیهادر ترویج ». تهران: معاونت ترویج مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

- کلباسی اصفهانی علی اصغر (۱۳۷۴) نقش تعاونیهها در نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران. بی جا: ثمره.

- کوپاهی، مجید (۱۳۷۶) اصول اقتصاد کشاورزی، تهران: دانشگاه تهران.

- گلشن فومنی (۱۳۷۵) محمد رسول: جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: شیفته.

- لمپتون، ا، اس (۱۳۶۲) « مالک وزارع درایران »، ترجمه منوجهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- لنوار، رنه (۱۳۶۳) جهان سوم و شرایط رهایی از وابستگی غذایی، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران بهشیر.
- لويس، اسکار (۱۳۵۳) « فرهنگ فقر». ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴، دانشگاه تهران.
- لهسایي زاده، عبدالعلي (۱۳۷۵) « تکنولوژی های مناسب برای نظام های بهره برداری کشاورزی ». مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران (جلداول)، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- لهسایي زاده، عبدالعلي (۱۳۶۸) «نظریه های توسعه». نشریه دانشکده علوم انسانی، شماره ۲، شیراز.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۷) بررسی راههای جلب مشارکت مردمی در برنامه های توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای منطقه گرمسار. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹) بررسی زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.
- مردوخی، بابیزید (۱۳۷۳) « مشارکت مردم در فرایند توسعه و طراحی برای سنجش میزان آن ». فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶، تهران: مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- یارداو، رام، بی (۱۳۶۵) « مشارکت مردم با تأکید بر بسیج تهیدستان روستایی ». ترجمه عباس منخبر، برنامه ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی: وزارت برنامه و بودجه.